

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي بنا قلب المؤمن بيوار الكافرين
والمنافقين وحده نفسه على قطع دابر الظالمين
والصلوة على خير العالمين محمد واهل بيته الطاهرين
ولعنة الله على اعدائهم الى يوم الدين **مسند**
چنین گوید ترا با قدام طالبان حق و یقین محمد
بر محمد تقی خسرهما الله مع الامة المعصومين
که چون در تاریخ کشته شدن عمر خطاب علیه
اللعنة والعذاب میان خاصه وصاته اختلاف
هست درین رساله اشاره بمجمل اقوال و مستند
الهامی نماید بدانکه مشهور میان علمای خاصه
وصاته آنست که کشتن آن ملعون در بیست و
ششم ماه ذی الحجه واقع شد و بعضی بیست
و هفتم نیز گفته اند و مستند این دو قول قتل
مورخانست و از کتب معتبره چنان معلوم
شود که چنانچه الحال میان عوام شعه مشهور
قتل آن ملعون در نهم ماه ربیع الاول واقع شده
است و سابقا میان جمعی از شیعه نیز چنین

مشهور بوده است و سید بزرگوار علی بن طاووس^{رض}
در کتاب اقبال اشاره نموده است بآنکه ابن
علیه الرحمه والرضوان روایتی از حضرت امام جعفر
صادق و صلوات الله علیه روایت کرده است که آن
ملعون در روز نهم ماه ربیع الاول بدره اسفل
متوجه شده است و از نقل او چنان مفهوم
شود که شیخ صدوق چنین اعتقاد داشته است
هر چند خود از حدیث را با وی یاد نموده است
و ایضا سید ذکر کرده است که جماعتی از شیعیان
عجم پیوسته آن روز را باین سبب بکبریم نموده
است و خلف بزرگوار سید علی بن طاووس در کتاب
زوائد القوائد این مذهب را تقویت کرده است
و روایت معتبره درین باب برادر نموده است
چنانچه گفته است که روایت کرده اند که محمد
بن العلاء همدانی و یحیی بن محمد بن جریج بغدادی
که روزی با منازعه کردیم در باب عمر بن الخطاب
علیه اللعنة والعذاب و رفیقیم در شهر قم بنزد احمد
الحق فنی که از خواص حضرت امام علی نقی و امام

عسکری صلوات الله علیها بود و بخدمت حضرت
 صاحب الامر علیه السلام نیز رسیده بود و چون در
 کوبیدیم دختر عراقی بیرون آمد و احوال احمد را
 از او پرسیدیم گفت او امروز مشغول اعمال عید است
 و این روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله
 عید های مؤمنان چهار است عید فطر و عید
 اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن دختر گفت که
 احمد بن اسحق از حضرت امام علی نقی صلوات الله
 روایت میکند که امروز عید است و بهترین
 عیدهاست نزد اهل بیت رسالت علیهم السلام
 و شیعیان ایشان گفتیم که رخصت بطلب تا
 بنزد او ایام چون آن دختر او را خبر کرد بیرون آمد
 لبوی ما و لنگی بسته بود و عیائی بر خود بچیده
 بود و بوی مشک از او شاطع بود ما گفتیم که این
 چه حالتیست که در تو مشاهده می کنیم گفت آن
 از غسل عید فارغ شده ام گفتیم امروزه مگر عید است
 گفت بلی و مادر خانه خود را آورد و بر روی
 کرسی نشاند و گفت روزی با جمعی از برادران

خود بنزد مولای خود حضرت امام حسن عسکری
 رفتیم در سن من رای در مثل این روز که شما بنزد
 آمده اید چو رخصت یافتیم و بخدمت حضرت
 رسیدیم دیدیم که حضرت مجلس خود را راسته
 و مجمره در پیش خود گذاشته است و بدست مبارک
 خود عود در آن مجمره می اندازد و مجلس خود را فرین
 کرد اینده است و بر خلا مان و خدمتکاران خود
 جامه های فاخر پوشانیده است گفتیم یا رسول الله
 پیمان و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت
 امروز فرخی تازه روداده است حضرت فرمود
 کدام روز حرمتش ازین روز نزد اهل بیت عظیم
 تر است بدستی که خبر داد مرا دیدم علیه السلام که
 حذیفه بن یمان در روز نهم ماه ربیع الاول اهل
 بر حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله حذیفه گفت
 که دیدم که حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام
 و حضرت امام حسین صلوات الله علیهم را که با
 حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله طعام
 تناول نمودند و آن حضرت بر روی ایشان تکیه می

نمود و با امام حسن و امام حسین علیهما السلام
 گفت بخورید کوارا باد از برای شما برکت این روز
 بدستی که این روزیست که حق تعالی هلاک می
 کند دین روز دشمن خود و دشمن دشمنان او
 مستجاب میگردد درین روز دعای مادر شما را بخورید
 که این روزیست که حق تعالی درین روز قبول می کند
 اعمال شیعیان و محبان شما را بخورید که این روز
 که ظاهر میشود راستی قول خدا که می فرماید که فَنَلْكَ
 بُيُوتَهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا یعنی اینست خانه های ایشان
 که خالی گردیده است بسبب ستمهای ایشان بخورید
 که این روزیست که شکسته میشود درین روز
 شوکت دشمن شما و یاری کنند دشمن شما
 بخورید که درین روز هلاک می شود فرعون ^{هشتم}
 من وستم کنند بر ایشان و غضب کنند حق
 ایشان بخورید که این روزیست که حق تعالی
 دشمنان شما را باطل و هبامی گرداند حدیقه گفت که
 من گفتم یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود
 که غنک این حرمتها نماید حضرت فرمود که ای خدا

بی از منافقان بر ایشان سر کرده خواهد شد و در
 ریاست در میان ایشان خواهد نمود و ناریانه
 ظلم و ستم را بردوش خواهد گرفت و مردم را از راه
 خدا منع خواهد کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد
 نمود و سنت می تغییر خواهد داد و میراث فرزند
 مرا متصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم
 خواهد خواند و زیادت بر وصی من علی بن ابیطالب خواهد
 کرده و غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا
 و برادر من و وزیر من علی را بدفع نسبت خواهد
 داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد کرد پس
 پس دختر من او را نفرین خواهد کرد و حق تعالی
 نفرین او را درین روز مستجاب خواهد گردانید
 حدیقه گفت یا رسول الله جواد عا ^{نهم} نمکنی که حق
 او را در حیوة تو هلاک گرداند حضرت فرمود
 حدیقه دوست نمیدارم که جرأت کند بر قضا
 خدا را از و طلب کند تغییر امر یا که در علم او گذشت
 ولیکن از حق تعالی سوال کردم که فضیلت دهد آن
 روزی را که در آن روز او بجهنم می رود بر سایر روزها

تا آنکه احترام از روز سنّی گردد در میان دوستان
مزدوستان و شیعیان اهل بیت من یسحق
و حق گرد لبوی من که ای محمد در عالم سابق من
گذشته است که در یابد تو اهل بیت ترا محنتها
و بلاهای دنیا و ستمهای منافقان و غضب کنندگان
از بندگان من آن منافقانی که تو خیر خواهی ایشان
کردی و با تو خیانت کردند و تو با ایشان راستی
کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف
بودی و ایشان دشمنی ترا بدل گرفتند و تو ایشان
خوشنود گردانیدی و ایشان ترا تکذیب کردند
و تو ایشان را بر کزیدی و ایشان ترا در بلیه گذاشتند
و سوگند یاد میکنم بحول و قوت و یاد شاهی خود که
البتّه بکشایم بر روح کسی که غضب کند حق را
که وصی هست بعد از تو هزار در از نیست ترین
طبقهای جهنم که از اهل بیت می بینند و او را در
اصحاب او را و فرجه جهنم جاده هم که شیطان از
مرتبه خود بر او مشرف شود و او را لعنت کند
آن منافق را در قیامت عبرت گردد برای
فرور

۵۹
فرعونهای که در زمان پیغمبران دیگر بوده اند و برای
دشمنان دین و ایشان را و دوستان ایشان را بسوی
جهنم برم بادیدهای که بود و روحهای تراش با نهایت
مدلت و خواری و یشیمان و ایشان را ابدالاباد و در
عذاب خود بدارم ای محمد میرسد علی بنزله تو مکر با
میرسد با و از بلاها از فرعون او و غضب کنند
حق او که جرأت می کند بر من و کلام مرا بدل می کند
و شراره بمن می آورد و مردم را منع میکند از راه رضا
من و کوساله را از بر لبی امت تو بر پا می کند که از انبیا
و کافر میشود بمن در عرض عظمت و جلال من بدرستی
که مرا مر کرده ام ملائکه هفت آسمان خود را که برای
شیعیان و محبان دین شما که عید کنند از وزیرا که اهل بیت
کشته میشود و امر گردد ایشان را که کوسای کرامت مرا
نصب کنند در برابر بیت المعمور و شاکستد من
و طلب مرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما
از فرزندان آدم و امر کرده ام ملائکه نویسندگان
اعمال را که ازین روز تا سه روز قلم از مردم بردارند
و بنویسند گناهان ایشان را برای کرامت تو و وصی تو

ای محمد این روز را عیدی گردانیده ام برای تو و ^{صلی}
تو و برای هر که تابع ایشان باشد از مؤمنان و شیعیان
ایشان و سوگند یادمی کنم بر خود بعزت و جلال خود
و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم کسی را که عید
گذران روز را برای من ثوابی بدهد و در هر شواحم
کوه اند و قبول کنم شفاعت او را در خویشان او
و دیار کند کم مال او را اگر کشادگی دهد بر خود و میال
خود درین روز و هر سال درین روز صد هزار هزار
کس از موالیان و شیعیان شمار از آتش جهنم آزاد
گردانم و اعمال ایشان را قبول گردانم و گناهان ایشان
بیا مردم حذیفه گفت پس بر خواسست رسول خدا
صلی الله علیه و آله و بخانه ام ^{صلی} در رفت و من بر
گشتم و صاحب یقین بودم در کفر عمر تا آنکه بعد
از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله دیدم که او
چه فتنه ها برانگیخت و کفر اصل خود را از الهامات
نمود و از دین برگشت و دامن بیبیانی و وقایع
برای غضب امامت و خلافت برزد و قرآن را تحریف
کرد و آتش در خانه وحی و رسالت زد و بدعتها

در دین خدا پیدا کرده و ملت پیغمبر را تغییر داد
و سنت آن حضرت را بدل کرد و شهادت حضرت
المؤمنین را در کرد و فاطمه دختر رسول خدا صلی
علیه و آله را بده و غنیمت داد و فدک را غصب کرد
و یهود و نصاری و مجوس را از خود راضی کرد و
و نور دیده مصطفی را بخشم آورد و رضا جوئی
اهل بیت رسالت نکرد و جمیع سنتهای رسول را
بر طوط کرد و تدبیر کشتن امیر المؤمنین کرده و خود
ستم را در میان مردم علانیه کرد و هر چه خدا حلال
کرده بود حرام کرد و هر چه خدا حرام کرده بود
حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر دینار و درهم
بسازند و خرج کنند و در بر شکم فاطمه زهرا زد و بر
منبر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله بالا رفت و
حضرت امیر المؤمنین را افترا بست و با آن حضرت
معارضه کرد و رای آنحضرت را با سفاقت نسبت
داد حذیفه گفت که پس حق تعالی دعای بر کنیده خود
دختر پیغمبر خود را در حق آنحضرت مستجاب گردانید
و قتل او را بر دست کشنده او جاری ساخت

رفتیم نزد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
ان حضرت آن هجده و مبارکباد بگویم بآنکه اینها حق
گشته شد و بعد از حق تعالی و اصل کردید چون حضرت
فرمود گفت ای خدایه آیا خاطر داری بر وزیرا که آمد
نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و من و دو سبط
او حسن و حسین نزد او نشستیم و با او
طعام میخوردیم پس ترا دلالت کرد بر فضیلت این
روز گفت بلی ای برادر رسول خدا حضرت فرمود که
بجدا سو کنید که این روز نیست که حق تعالی در آن
روز دیده ال رسول صلی الله علیه و آله را روشن کرد
و من برای این روز هفتاد و دو نام میدادم حدیقه
گفت یا امیر المؤمنین میخواهم که آن نامها را از تو
بشنوم حضرت فرمود که این روز را ستراحت است
که مؤمنان از شر آن منافق استراحت یابند و روز
ذایل شدن کرب و غم است و روز غدیر دوم است
و روز تخفیف کناهها شیعیان است و روز اختیار
نیکو برای مؤمنان است و روز برداشتن قلم از
شیعیان است و روز برهم شکستن بنای کفر و عداوت

روز عافیت است و روز برکت است و روز طلب
مؤمنان است و روز عید بزرگ است و روز مسخ
شدن دها است و روز موقوف اعظم است و روز
وفا بعهده است و روز شرط است و روز کردن
جائمه میاه است و روز زدامت ظالم است و روز
شکسته شدن شوکت مخالفان است و روز نفی
هموست و روز فتح است و روز عرض اعمال
کافران است و روز ظهور قدرت خدا است و روز
عفو از کناهان شیعیان است و روز فرج ایشان
و روز توبه است و روز انابت بسوی حق تعالی
و روز کوفه بزرگ است و روز فطر دوم است و روز
اندوه باغیان است و روز ذکر شدن اب در کلی
مخالفان است و روز خوشنودی مؤمنان است
و روز عید اهل البیت است و روز طغیان فتن
بنی اسرائیل بر فرعون است و روز مقبول شدن اعمال
شیعیان است و روز پیش فرستادن تصدیق
است و روز زمامتی مشروبات است و روز قتل
منافقت و روز وقت معلوم است و روز

اهل بیت است و روز مشهود است و روز قهر بر
دشمنان است و روز خراب شدن بنیان خلقت
و روز نیست که ظالم انگشت ندامت بدندان گیرد
و روز تنبیه است و روز شرف است و روز
خدا شدن دلهای مؤمنان است و روز شهادت
است و روز تاریکی بوستان اهل ایمان است و روز
شیرینی کام ایشان است و روز خوشی دلهای مؤمنان
است و روز و طوفان شدن پادشاهی منافقان است
و روز توفیق اهل ایمان است و روز رهایی
از شرکافران است و روز مظاهره است و روز
مفاخره است و روز قبول اعمال است و روز
و تعظیم است و روز نخله و عطا است و روز
شکر حق تعالی است و روز یاری مظلومان است
و روز یاری کردن مؤمنان است و روز محبت
کودن ایشان است و روز رسیدن بر حجتها الهی
و روز پادشاهی کردن اعمال است و روز فاش کردن
بازها است و روز بر طوفان شدن بدعتها
و روز توبه گناهان گیره است و روز ناکره

بجوت است و روز عبادت است و روز مغفرت
است و روز انقیاد پیشوایان دین است و روز
گفت که پس از خدمت حضرت امیر المؤمنین صلوات
علیه بر خواستم و گفتم اگر در نیام از افعال خیر و ایمن
امید تو ابان دارم مگر محبت این روز و در نشستن
فضیلت این راه را بنده منتهای روزی مرزوا
بود پس محمد و یحیی را و بیان حدیث گفتند که چون
این حدیث را از احدین اسحق شنیدیم هویک بر
خواستیم و سراور ابوسیدیم و گفتیم حمد و شکر می
مکنیم خداوندی را که بر این بخت ترا از برای ما آفرید
فضیلت این روز را بمارسانیدی پس بخانههای خود
برگشتم و این روز را عید کردیم و صاحب کتاب
روایت نمود که این حدیث را از
علی بن محمد بن علی رحمه الله علیه نوشته و در کتب دیگر
نمود چندین روایت دیگر موافق این یافته پس اعتماد
برین روایات نمودم و سراور است شعبان را
که این روز را تعظیم نمایند و اطهار شادی و سرور
درین روز یکستند و شیخ ابیهم بن علی کفعمی در کتاب

مصباح گفته است که صاحب کتاب مسأله^{ششم}
روایت کرده است که در روز نهم ماه ربیع^{الاول}
اتفاق کند حق تعالی گناهها او را بایزد و دوست
است درین روز اطعام برادران مؤمن و خوشبو
کردن ایشان و توسعه دادن بر عیال خود
و دیگران و پوشیدن جامهای نو و شکر عبادت
حق تعالی و این روز بطرف شدت غمها است
و در روز رون داشتن نیست مستحکم گوید که
از نقل این بزرگواران معلوم شد که بر فضیلت
این روز و وقوع این قضیه مبارکه دایم احادیث
بسیار رواه شده است و در اعصار سابقه مثلاً
شیخ مشهور بوده است و برخلاف فتنی روایتی
بنظر این قاصر نرسیده است و اتفاق مورخان
عامه با احادیث معتبره معارضه نمیکند و اگر
کسی استبعاد کند که چنین واقعه عظمی که
سبب حزن جمعی و سرور جمعی گردد چون میتواند
بود که مضبوط نگردد نماید جواب اینست که این
واقعه از واقعه وفات حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله

۲۲
و آله و شهادت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
عظیم تر نیست و در هر یک از آنها خلایق مینا
خاصه و عامه هست و در واقعه اول اتفاق
دارند عامه برخلاف آنچه مختار شیعه است
اگر گویند که باغی بر افرای ایشان اینجا نیست جواب
میگویم که شبهه در هر دو جا جاریست و با
قوی در اینجا هست که ممکن است که برای رفع
شکات دشمنان اخفای آن نموده باشند و علی
ای حال چون مدار علمای خاصه و عامه بر آنست
که در مستحبات با احادیث ضعیفه متمسک
میشوند بنا بر احادیث صحیح که از ائمه طاهرين
صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است که
هر که ثوابی از خدا بیاورد بر علی و آنرا بجا آورد
ان ثواب باو داده میشود هر چند چنانچه بنا
که باور رسیده است پس اگر اعمال این روز که
نوعش از شارع واقع شده باشد و مخالفی
با آیات و اخبار نداشته باشد کسی بعمل آورد
خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد گردید

و بعضی میگویند که عمر بن سعد علیه اللعنة دین
روز بجهنم واصل شده است و اگر چنین باشد
این شرافت نیز برای آن کافیت منت الرضا
و الحمد لله وحده و صلی الله علی محمد و اله الطاهین
و لعنت الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله و سلام علی عبادہ الذین اصطفی اما بعد
شیخ محمد بن بابویه قتی رحمة الله علیه در کتاب خود
و کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام بسند
صحیح روایت کرده است از سلیمان جعفری عن
الحسن الرضا علیه السلام قال ذکر عند الجبر و التقوی
فقال الا اعطیکم فی هذا اصلا لا تختلقون فیہ
فیہ ولا یحکمکم علیہ احد الا کسر ثوبه قلنا
ان رأیت ذلک یعنی سلیمان جعفری از حضرت
امام رضا علیه السلام روایت کرده است که مذکور
شد نزد آنحضرت مذهب جبر و تقوی پس
حضرت فرمود که آیا بیخشم شما درین باب علی

و قاعدہ کلی که در ازای این اختلاف نکنند و محنا
نکنند در ازای این باشند احدی از مخالفان مگر
او را در هم شکنند و محبت او را باطل گردانند
کفیم اگر مصلحت دانی شنقت خواهی کرد فقا لان
الله عز و جل لم یطع باکراہ و لم یعص بغلبہ
و لم یهدل العباد فی ملکہ هو المالك لمن ملککم
و القادر علی ما اقدروہم علیہ فان ائتمرا العباد
بطاعة لم یکن الله عنہا صادرا و لا منها مانعا
و ان ائتمروا بمعصیة فشاء ان یحول بینہم و
بین ذلک فعل وان لم یعمل و تعلو فلیس هو
الذی اذخلکم فیہ ثم قال من یضبط حدود
هذا الکلام فقد خفم من خالفه یس حضرت فرمود
که بدرستی که خدای عز و جل اطاعت کرده نمیشود
باکراہ که خدا جبر کند ایشانرا بر طاعت و معصیت
کرده نشده است بغلبہ که نتواند ایشانرا از
معصیت بازداشتن و ایشانرا بر خداوند خود
غالب شده باشند و محصل نکذاشته است
بنحی که از در ملک خود او مست مالک هر چیز که